

پروژه‌های ایرانی‌سازی

مردان

(یادبود سوین ساگورد در گذشت مزدک لیان فر)



رفتی و بی تو خانه خاموش است چلچراغ زمانه خاموش است
 ای بلند آشیان کبوتر عشق بی صدای تولانه خاموش است
 آه ای اخت تحریر کبابی افق آسمانه خاموش است
 ای گل باغ زندگی بے تو هم غزل هم ترانه خاموش است
 سو کوار و سیاه پوش تو ام لاله ام بی زبانه خاموش است
 شمع محراب مهر مزدک من بی تو ماه معانه خاموش است
 گوشه کویان فزانه تو مشعل خسروانه خاموش است
 از گل تو ریمده گل افوس خستی و آشیانه خاموش است
 سینه ام روشن است بایادت کرچه دور از تو خانه خاموش است

دکتر خسرو آشتیانی بوند کلانی



9 789640 454503

مردگان ما

(یادبود سوین ساگرد در گذشت مردگان کیان فر)

خوانان
جمشید کیان فر، پروین استخری

کیان‌فر، جمشید، ۱۳۳۰ -

مزدک‌نامه: (یادبود سومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر) / خواهان
جمشید کیان‌فر، پروین استخری. تهران: پروین استخری، ۱۳۸۹.
پانزده، ۸۹۶ ص: مصور (رنگی).

۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۵۴۵۰-۳

شابک

یادداشت:

Jamshid Kianfar, Parvin Istakhri. Mazdak Nameh con the occasion
of the third anniversary of the death of Mazdak Kianfar.

کیان‌فر، مزدک، ۱۳۶۴-۱۳۸۶. یادنامه‌ها، مقاله‌های فارسی - - قرن ۱۴.

الف. کیان‌فر، جمشید، ۱۳۳۰ - ، گردآورنده. ب. استخری، پروین،

۱۳۳۳ - ، گردآورنده. ج. عنوان دیگر: یادبود سومین سال درگذشت مهندس

مزدک کیان‌فر.

۸۴۴/۶۲۰۸

PIR ۴۲۸۷ / م ۴ ۱۳۸۹

مزدک‌نامه (۳)

(یادبود سومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)

خواهان: جمشید کیان‌فر، پروین استخری

چاپ اول: ۱۳۸۹

حروفچینی: محبوبه محمدی

لیتوگرافی و چاپ: طیف‌نگار

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۵۴۵۰-۳

ناشر: پروین استخری

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات اساطیر ۸۸۸۳۱۴۷۳

وب سایت: www.mazdaknameh.ir

حق چاپ محفوظ است.

مزدک کیان فر

تولد	۱۳۶۲/۸/۲۱
ورود به مهد کودک نیما	۱۳۶۲/۱۱/۲۱
جشن فارغ التحصیلی از مهد کودک نیما	۱۳۶۸/۶/۳۱
کلاس اول دبستان شهید مطهری	۱۳۶۸/۷/۱
پایان مرحله ابتدائی (دبستان)	۱۳۷۳/۴/۱
کلاس اول راهنمائی (مدرسه میقات)	۱۳۷۳/۷/۱
پایان مرحله راهنمائی	۱۳۷۶/۴/۱
کلاس اول دبیرستان نمونه مردمی تزکیه	۱۳۷۶/۷/۱
پیش دانشگاهی حکیم فارابی	۱۳۷۹/۷/۱
همکاری با کافی نت پیام و سپیده	تابستان ۱۳۸۰
دانشجوی سال اول (رشته مهندسی عمران - عمران)	۱۳۸۰/۷/۱
دانشگاه آزاد - زنجان.	
همکاری با انتشارات قلم آشنا (مدیریت تولید)	مرداد ۱۳۸۱
عضویت در گروه طراحی و چاپ سالنامه جوان	آذر ۱۳۸۱
همکاری با تبلیغات انتخاباتی مجلس و شورای شهر (ستاد مهر)	زمستان ۱۳۸۱
همکاری با مؤسسه فرهنگی - هنری پیشین پژوه و حاصل آن:	اسفند ۱۳۸۱
طراحی متن و جلد: جیرفت کهن ترین تمدن شرق	نوروز ۱۳۸۲
صفحه آرائی و طراحی متن و جلد: راهنمای مرکز پژوهشی	بهار ۱۳۸۲
بررسی های باستان شناسی	
صفحه آرائی و طراحی جلد: زیگورات سیلک	

- بهار ۱۳۸۲
تابستان ۱۳۸۲
پائیز ۱۳۸۲
- طراحی جلد: ترانه‌های غرjestان
طراحی جلد: نشریه مردم گیاه
راه‌اندازی مؤسسه فرهنگی - هنری دیسناد (ارائه خدمات و مشاوره در امور چاپ و راه‌اندازی سایت و تبلیغات رسانه‌ای):
طراحی سایت شرکت بازرگانی سُها
طراحی و مدیریت سایت زمستون
طراحی وب‌سایت شخصی احسان دلاویز
طراحی جلد و نظارت بر چاپ کتاب: مجموعه قوانین و مقررات بندری - دریایی ایران (۲ جلد)
همکاری با انتشارات مهر آریا (در زمینه انفورماتیک)
تابستان ۱۳۸۳ - بهار ۱۳۸۶ همکاری با شرکت پارسه هنر
۱۳۸۶/۴/۱۴ تصادف رانندگی، پا از دایره هستی بیرون نهاد.

فهرست مطالب

سخن خواهان سیزده

کلیات

- خط / دبیره / نویسه و «خطنامه»ها / دکتر پرویز سپیتمان (اذکائی)..... ۱
بررسی مکتب هنری آل جلایر در نگاره‌های موجود در مُرقع یعقوب‌بیک /
دکتر مهدی افضلی ۱۱
نقش زنان در هنر خط تازی / صلاح‌الدین المنجد، ترجمه محمد باهر ۳۳
آرشیوها و کتابخانه‌ها در ازبکستان / دکتر محسن جعفری مذهب ۴۴
تنوع رستم‌نامه‌ها در نسخ موجود / مهدخت پورخالقی چترودی، مریم جلالی ۵۷
معرفی بخشی از دستنویس‌های فارسی کتابخانه فرهنگستان علوم مجارستان /
به کوشش فرید قاسملو، فریبا پایروند ثابت ۶۸

علوم اجتماعی

- آیا فناوری و اقتصاد فناوری راه‌گشاست؟ / سید عبدالله انوار ۸۵
بی‌بی خانم استرآبادی از فعالان حقوق زنان در عصر قاجار / نادره جلالی ۱۰۲
کارآفرینی چیست و چرا کارآفرینی؟ / سعیده سعیدی ۱۱۴

علوم

- کتاب الارصاد عرضی دمشقی همکار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه مراغه
با اشاره به ابزارهای رصدی / دکتر مهدی محقق ۱۲۱
نگاهی به نوآوریه‌های محمدباقر یزدی در ریاضیات و در زمینه اعداد متحاب و اعداد
متعادل، در کتاب عیون الحساب / دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول ۱۲۵

زیباشناسی

- غزلی از قطب‌الدین شیرازی به گویش قدیم شیراز/ دکتر علی اشرف صادقی..... ۱۳۵
آثار و مصائب زبان فارسی / ع. روح‌بخشان..... ۱۴۲

واژه‌شناسی

- فرهنگ واژگان و اصطلاحات دیوانی - تاریخی در نگاشته‌های فرارودی /
پرداخته تیمورک. بیسمبایف، پاریسی‌کرده محمدحسین ساکت..... ۱۵۱

ادبیات

- مناظره جام و قلیان / دکتر نصرالله پورجوادی..... ۲۰۳
فروغی و خلاصه شاهنامه / جويا جهانبخش..... ۲۱۰
بازتاب محیط جغرافیایی در زبان و بیان مولانا/ دکتر توفیق ه سبحانی..... ۲۵۴
خویشکاری ویژه نخچیران در داستانهای پهلوانی ایران/ دکتر سجاد آیدنلو..... ۲۷۵
ابونصر فتح‌الله خان شیپانی کاشانی / محمد گلبن..... ۲۸۰
مدخل بر بررسی اشعار حافظ در زمان حیات او/ مهدی رحیم‌پور..... ۲۹۱
افسانه نیلوفر آبی / هِلنا بلاواتسکی، ترجمه منوچهر بیگدلی خمسه..... ۳۰۱
شعر/ دکتر خسرو احتشامی هونه‌گانی..... ۳۱۰

نقد و بررسی

نگاهی گذرا به تفسیر «فی ظلال القرآن» و بیان نکته‌ای چند /

- دکتر محمدحسین حیدریان..... ۳۱۱
کنکاشی در سفرنامه مکه امین‌الدوله / حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان..... ۳۲۵
یادی از دکتر عبدالحسین نوایی / غلامرضا امیرخانی..... ۳۴۲
انتقاد بر یک تصحیح «شایسته و انتقادی»! (نقدی بر دیوان حسن دهلوی) /
فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی..... ۳۵۴
اندک یافته‌هایی از لب‌الالباب عوفی / سید محسن ناجی نصرآبادی..... ۳۸۴
قواعد علمی سیر و سلوک عرفانی / آزاد بروجردی..... ۳۹۱
در سنگر آزادی / منوچهر پزشکی..... ۳۹۵

تاریخ

- اعلامیه‌های زیرزمینی در انقلاب مشروطه / دکتر منصوره اتحادیه (نظام مافی)..... ۴۰۳
اصلاحات غازانی به روایت جامع‌التواریخ رشیدی / علیرضا ذکاوتی قراگزلو..... ۴۲۷

- سازمان اداری و درباری، میراث ایران باستان در دوره اسلامی / دکتر حسین زمانی ۴۴۲
- در سوگ آئینی شاهان صفوی / دکتر زهت احمدی ۴۵۵
- گلاب و آئین گلاب‌پاشی ره‌آورد ایرانیان مهاجر در دربار مغولان هند /
دکتر منیژه ربیعی ۴۷۰
- مروری بر نظریات اقتصادی عصر رضاشاه و تأثیر آن بر امور خیریه /
دکتر الهام ملک‌زاده ۴۷۷
- ارمنیان ایران در آستانه انقلاب مشروطه به روایت ملک‌المورخین / عسکر بهرامی ۴۹۶
- ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه / گوک‌خان چتین سایا؛ ترجمه نصرالله صالحی ۵۰۱
- برخی ابعاد اجتماعی و سیاسی نبرد حرّه / مناخیم قسطنطین؛ ترجمه محمدکاظم رحمتی ۵۳۰
- سیری در مناسبات صفویان و اروپاییان / محمدحسن رجبی ۵۵۲
- محمدعلی میرزا دولت‌شاه «دولت و شاه‌ی مستقل» / رامین یلفانی ۵۸۱
- مهاجرت‌های اجباری و سازماندهی مجدد نظم منطقه‌ای قفقاز در ایران دوره صفوی (پیش‌شرط‌ها و تحولات از نگاه فضل خوزانی) // ماندا هیروتاک؛
ترجمه یزدان فرخی ۶۰۲
- ایران در قرن پانزدهم / ولادیمیر مینورسکی؛ ترجمه محمود بهفروزی ۶۳۷
- افدرا و درخت انار در آیین جاودانگی در ایران باستان / س. مهدی حسن؛
ترجمه جلیل نوذری ۶۵۲
- بجستجوی شهزاده‌ای بودایی / علیرضا دولت‌شاهی ۶۶۵
- جان‌نشینان امیر تیمور گورکان / پروین استخری ۶۷۲

رجال

- علم رجال یا تبارشناسی دینی / آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی؛ ترجمه علی اوجیبی ۶۸۵
- حلاج ماسینیون / محمدرضا قنبری ۶۹۱
- مناسبات فرهنگی و علمی ایران و اندلس / دکتر عبدالله ناصری ۶۹۸
- محمد بن عبدالوهاب و محمد حیاة السندی / جان وول؛ ترجمه محمدحسین رفیعی ۷۰۴
- ابن فندق و تاریخ بیهق / یوسف الهادی؛ ترجمه سلمان ساکت ۷۱۴

یادمان

- مردی از گذشته‌های دور / عبدالحسین نوایی ۷۸۵
- مروری بر کارنامه فرهنگی - مطبوعاتی دکتر سیف‌الله وحیدنیا / مرتضی رسولی‌پور ۷۹۷

رسائل

- عَضَدالدین ایجی و رسالهُ وضعیة عَضَدیه / نصیر شفیع پور مقدم ۸۰۵
- روزنامه ملتی، گزارشی درباره واقعه هرات (فتح‌نامه هرات) / حوریه سعیدی ۸۳۰
- سفرنامه از شهرستانک تا کلاردشت / جمشید قائمی ۸۵۱
- دست‌نوشته‌ای منتشر نشده از میرزا حسن رشدیه و نقش سیاسی وی در انقلاب مشروطه /
- محمد بقائی شیره‌جینی ۸۷۹

سخن خواهان

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

تفکر و اندیشه انتشار یادنامه از دیرباز در ایران زمین مرسوم بوده و هست، آنچه حافظه ما یاری می‌کند نشر این قبیل آثار در عصر حاضر بر دو وجه رایج و متداول است:

۱. ارج نهادن بر بزرگ و صاحب قلمی در عرصه علم و دانش در زمان حیات او همچون *آرام‌نامه* که در بزرگداشت استاد احمد آرام در زمان حیات او نشر یافت و یا *ارج‌نامه استاد ایرج افشار* و ...

۲. ارج نهادن و بزرگداشت و یاد صاحب قلمانی که در میان ما نیستند و «پا از دایره هستی نهاد»‌اند و به دیار باقی شتافتند همچون ارج‌نامه‌هایی که مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر می‌کند: *ارج‌نامه حبیب یغمایی* به همت سیدعلی آل داود؛ *ارج‌نامه ملک شعراء بهار* به همت علی میرانصاری؛ *ارج‌نامه صادق کیا* به همت عسکر بهرامی؛ *ارج‌نامه غلامحسین یوسفی* به همت محمد جعفر یاحقی، و ارج‌نامه‌های دیگری که به زودی شاهد نشر آن خواهیم بود. ناگفته نماند که این مجموعه ارج‌نامه‌ها تخصصی و صرفاً به زندگی، آثار و جستارهای متن‌پژوهی آن بزرگواران می‌پردازد.

یا *نامواره دکتر محمود افشار* که فرزندشان استاد ایرج افشار قریب به دو دهه است که منتشر می‌کنند، یک دهه با عنوان یادشده و در دهه دوم با عنوان پژوهش‌های ایران‌شناسی، *نامواره دکتر محمود افشار* و گاه مجلداتی از آن به دیگر

شخصیت‌های علمی و ادبی اختصاص می‌یابد همچون مجلد پانزدهم و شانزدهم با عنوان فرعی ستوده‌نامه به مناسبت کوشش‌های علمی دکتر منوچهر ستوده اختصاص یافته است؛

و یا گلزار خاموش که دوست فاضل و ارجمندمان محمد گلبن به یاد همسر گرامیشان شادروان بانو راضیه دانشیان منتشر کردند؛

و یا آنچه که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با عنوان زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی برای بزرگداشت و نکوداشت استاد یا شخصیتی علمی «پا از دایرة هستی» بیرون نهاده و یا در قید حیات هستند منتشر می‌کند؛

انتشار یادنامه و ارج‌نامه نوع سومی هم دارد که در زمان حیات علمی و ادبی شخصیتی، شاگردان و دوستان ارادتی در صد آن برمی‌آیند که در پاسداشت مقام علمی او به انتشار ارج‌نامه‌ای اقدام کنند، اما حاصل آن پس از درگذشت آن مقام علمی نشر می‌یابد و کتاب مجموعه مقالاتی در پاسداشت مقام علمی، فرهنگی و تاریخی دکتر عبدالحسین نوایی به گردآوری و گزینش دکتر الهام ملک‌زاده از این‌گونه است که در زمان حیات دکتر نوایی شروع و سالی پس از درگذشت آن شادروان منتشر شد، اجر همه این بزرگواران مأجور.

این چنین بود که بر آن شدیم تا با انتشار مزدک‌نامه هر ساله یاد فرزندان را گرامی داریم، هر سالگرد چهاردهم تیرماه یادآور فاجعه از دست دادن جگرگوشه ما مزدک است و تاریخ مزدک‌نامه‌ها هم هر ساله ۴/۱۴ همان سال خواهد بود.

این مهم امکان‌پذیر نخواهد بود مگر همت دوستان و بزرگواران صاحب قلمی که استدعای ما را اجابت می‌فرمایند و با همه مشغله و گرفتاری‌ها از سر سعه صدر ما را یاری می‌دهند تا بدعتی که استاد ایرج افشار با انتشار کتاب‌فروشی در دو مجلد به یاد فرزندان بابک افشار منتشر کردند ما با انتشار هر ساله مزدک‌نامه ادامه دهیم.

مزدک‌نامه امسال (یادبود سومین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر) قرار بود متفاوت از دو مزدک‌نامه پیشین، منتشر شود، به دلیل آنکه رشته تخصصی مزدک عمران - عمران بود به پیشنهاد مهتا خواهر مزدک بر آن شدیم که مزدک‌نامه امسال

را اختصاص به عمران و معماری دهیم و بدین نیت از دوستان و بزرگواران تمنا کردیم تا مقالاتی در زمینه عمران و معماری - معماری ایران و پیشینه شهر و شهرسازی تاریخی - از سر لطف مرحمت فرمایند، اما به دلایلی حاصل آن در سال آینده منتشر خواهد شد.

پایان سخن، تشکر و قدردانی و سپاس نثار قدوم و قلم بزرگواران، دوستان و عزیزانی که مجموعه حاضر حاصل تراوشات قلمی آن بزرگواران است، و سپاس از سرکار خانم ستایش نورانی نژاد که همچون دو سال گذشته در جمع آوری مقالات به مانند دختری دلسوز از سر مهر و محبت معین و یاور ما بودند، و سپاس بیکران از دختر خوب و مهربان دیگرمان سرکار خانم محبوبه محمدی که در این سه سال با حوصله و دقت وافر کار حروفچینی و صفحه آرایی زیبای مزدک نامه را برعهده گرفتند و برای هر دو دختر خوبمان آرزوی سعادت و نیکبختی داریم.

پروین استخری، جمشید کیانفر

غزلی از قطب‌الدین شیرازی

به گویش قدیم شیراز

دکتر علی اشرف صادقی*

در کتابخانه ملی ملک در تهران مجموعه جنگ‌مانند کوچکی به شماره ۵۸۷۴ به نام *یتیمه‌الدُرُر و کریمه‌الفقر* هست که در ۷۹۷ هجری کتابت شده و بخش اعظم آن را اشعاری از شعرای معروف و غیرمعروف از جمله سعدی، مولوی، ابن یمین، عماد فقیه، جلال طیب، روزبهان بقلی، نصرالله دامغانی، شاه شجاع (نقل از روی خط او)، اختیارالدین سمنانی، نظام‌الدین دامغانی طیب و غیره تشکیل می‌دهد. کاتب این مجموعه یک جا در تضاعیف کتاب خود را «ابومحمد جمال‌الدین محمد محمدین محمد الاصبهانی المَحْتَدِ الشیرازی المولد» معرفی کرده است. کاتب می‌گوید در تاریخ ۷۹۷ «مجموعه‌ای موشح بخطوط اکابر و محلی بارقام افاضل بلدة شیراز صانه‌الله عن اشرار الشَّرار در نظر آمد». سپس می‌گوید من این اشعار را از آن مجموعه نقل کردم.

در میان این اشعار غزلی ملمع به عربی و گویش شیرازی در ۷ بیت از «مولانا الاعظم قطب‌الملة و الدین الشیرازی» هست. محمدامین ادیب طوسی در سال ۱۳۳۸ این غزل را همراه با چند ترانه به زبان نیریزی قدیم در شماره ۱ از سال یازدهم نشریه *دانشکده ادبیات تبریز*، ص ۱-۱۸، به چاپ رسانده است. کاتب این اشعار به

* استاد دانشگاه تهران؛ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب.

علت شیرازی بودن، اشعار را با اعراب تقریباً کامل نقل کرده، اما ادیب هنگام نقل آنها این اعراب‌گذاری‌ها را نادیده گرفته و اشعار را از نو و به سبک خاص خود اعراب‌گذاری و معنی کرده است که در نتیجه هم در دریافت معنی بعضی از ابیات دچار اشتباه شده و هم تلفظ کلمات شیرازی را غلط به دست داده است. وی ظاهراً به علت اینکه این مجموعه را به طور کامل بررسی نکرده متوجه نام و مشخصات کاتب و عبارتی که ما در بالا از او نقل کردیم نشده است.

در این گفتار ما این غزل را نقل، ترجمه و آوانویسی می‌کنیم و درباره بعضی کلمات آن توضیحات لازم را به دست می‌دهیم. در اینجا یادآوری می‌کنیم که شخصی در حاشیه مجموعه مورد بحث اشعار شیرازی را معنی کرده که ادیب او را «مرحوم وقار» (ظاهراً وقار پسر وصال شیرازی) دانسته است. همانطوری که ادیب اشاره کرده معنی‌های او خالی از اشتباه نیست، اما ادیب نیز یک جا به همان خطای او دچار شده است.

اما نخست ببینیم این قطب‌الدین شیرازی کیست. ادیب او را همان قطب‌الدین محمودبن مسعود، فیلسوف، ریاضی‌دان، عالم علم نجوم و طبیب متوفی در ۷۱۰ دانسته است. از این قطب‌الدین اشعاری به عربی و فارسی در کتابها و جنگها درج است، اما ظاهراً به گویش شیرازی شعری نسروده و کسی به این مطلب اشاره‌ای نکرده است. اینکه جامع جنگ مورد بحث از گوینده غزل شیرازی با عنوان «مولانا الاعظم» یاد کرده این احتمال را که او سراینده این غزل باشد تا حدی تقویت می‌کند، مخصوصاً که در *بیاض تاج‌الدین احمد وزیر* نیز از او با عنوان «مولی الاعظم» نام برده شده و دو قطعه عربی و دو رباعی فارسی به او نسبت داده شده است که بعضی از آنها در *لغت‌نامه دهخدا* هم ذیل نام او آمده است (رک. افشار و تیموری، ۱۳۵۳، ص ۳۴۱). بالاینهمه بیشتر احتمال دارد که این غزل از قطب‌الدین شیرازی دیگری باشد که نام کاملتر او قطب‌الدین یحیی‌بن زنگی شیرازی است و در جنگی که به خط شمس حاجی شیرازی در سال ۷۵۱ کتابت شده^۱ چند غزل از او نقل شده است (رک. افشار، ۱۳۴۶، ص ۳۶۵-۳۶۶). در جنگ شماره ۱۰۲۶ کتابخانه نافذ پاشا (ترکیه) هم که در سال ۷۴۱ به دست همین شمس حاجی کتابت شده و از تعدادی از شعرای شیراز شعر دارد از این قطب‌الدین شعر نقل شده است. در

مونس/الاحرار جاجرمی (ج ۲، ص ۱۰۸۱-۱۰۸۲) هم چهار غزل از او آمده است. این قطب‌الدین یحیی از شعرای قرن ششم بوده است (رک. رازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۶). اگر غزل ملمع مورد نظر از او باشد این غزل بعد از عبارتی شیرازی که در فردوس‌المرشدیه آمده دومین و قدیمترین نمونه گویش شیرازی است. اینک متن غزل:

۱- فؤادی وافؤادی وافؤادی خُذا را یار مَهروتان مَبادی^۲

xoḏâ râ yâr-e mahrutân mabâdi^۳

معنی: دل من، وای بر دل من، وای بر دل من، به خاطر خدا (یا: خدایا!) امیدوارم شما را یار مهر و مباد. دلیل اینکه شاعر به مخاطبانش دعا می‌کند که شما را یار مهر و مباد نباشد این است که باید از غم هجر او بسوزند.

«ی» پایان کلمه مبادی همان *e* شناسه سوم شخص مفرد وجه تمنایی (optative) فارسی میانه است که در افعال نشان‌دهنده شرط تحقق نیافته و آرزو و وهم و خیال و خواب به کار می‌رفته و در فارسی نیز همین نقش‌ها را دارد (رک. آموزگار، ۱۳۷۱، ص ۳-۴). اگر به زبان فارسی دری توجه کنیم می‌بینیم که این شناسه در این زبان از حالت شناسه بودن به درآمده و به نشانه وجه شرطی تحقق نیافته که برای بیان خواب و آرزو و هر چیز تحقق نیافته به کار می‌رود بدل شده و هم با بن ماضی به کار رفته است و هم با بن مضارع، مانند: دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی... اگر مملکت را زبان باشدی و غیره. چنانکه می‌بینیم در اینجا این «ی» به صیغه دعایی «مباد» پیوسته است.

۲- مُش از غم می‌تُرم هَر رُو و صد بَار فلا یخشی من الیوم التنادی

mo-š az γam mitozem har ru va sad bār

معنی: من او را از غم (= من از غمش) هر روز به صد بار تاوان می‌دهم؛ پس از روز قیامت ترسی نیست.

کلمه یخشی در جنگ به فتح «ی» نوشته شده، اما ظاهراً به ضم آن صحیح است، زیرا در صورت معلوم بودن این فعل فاعل آن مشخص نیست که کیست. مُش

مرکب است از mo «من» و ضمیر متصل غیرفاعلی -š. تَرم از فعل توختن است که o آن به o مخفف شده است. حاشیه‌نویس جنگ در مورد این کلمه نوشته است: «می‌ترم یعنی می‌توزم و توختن به معنی کشیدن است و کینه‌توز یعنی کینه‌کش؛ یعنی من هر روز صد بار از غم او می‌کشم». اما توختن در پهلوی به معنی ادا کردن دین و قرض و جبران کردن و کفاره دادن است و توزشن tōzišn در این زبان به معنی کفاره به کار می‌رفته است. رو مخفف روز است و «و» va مبدل «به» حرف اضافه که از شکل ba, از pad پهلوی، گرفته شده است.

۳- نه شیو آرام و نَز رُوزِمُ قَرَارِنِ از انکِمِ دَرُ غَمِ هِجِرانِ نِهَادِی^۴

na šew ârâm-o na-z ruz-em qarâr-en
az on ke-m dar yam-e hejran nehâdi

معنی: نه [در] شب [مرا] آرام [است] و نه در روز مرا قرار است، زیرا مرا در غم هجران نهادی.

ضبط شیو در اینجا نشان‌دهنده وجود مصوت مرکب ew در این گویش در مقابل ow در تعدادی دیگر از گویش‌های ایرانی است که b پایانی بعد از مصوت در کلماتی مانند شب و لب و نظایر آنها به B و سپس به w بدل شده است. شناسه غیرفاعلی اول شخص مفرد -em در مثلثات سعدی (بیت ۴: بسیم دی = بسی دیدم؛ ب ۱۱: گردم کرد = گرد کردم) نیز دیده می‌شود. -en بعد از کلمه قرار مخفف hen به معنی «هست» است. -em در انکم در نقش مفعول به کار رفته و فعل نهادی صریحا از فارسی گرفته شده است، زیرا اگر طبق قواعد گویش شیرازی به کار می‌رفت باید به صورت (e)t nehâd- گفته می‌شد. حرف اضافه «در» نیز مأخوذ از فارسی است، زیرا «در» در این گویش به صورت (a)na به کار می‌رفته است.

۴- قَدِشِ سَرُونِ جِه جِی سَرُو رَوَانِهِنُ لَوِشِ قَنَدِنِ جِه جِی قَنَدِ قَنَادِی

qad-eš sarv-en če Jay sarv-e ravân-hen
lav-eš qand-en če Jay qand-e qanâdi

معنی: قدش [همچون قد] سرو است، [پس] چه جای سرو روان است؛ لبش [همچون] قند است، [پس] چه جای قند قنادی است. حاشیه‌نویس بیت را چنین

معنی کرده است: قدش سرو است، چگونه سروی؟ سرو روان. لبش قند است، چگونه قندی؟ قند قنادی.

در اینجا در مصراع اول en- و hen در کنار هم به کار رفته است. Jây به Jay تخفیف پیدا کرده. لب هم به law بدل شده، در حالیکه در کلمه شب مصوت کلمه نیز از a به e تغییر یافته است.

۵- بِحَقِّ الْحُبِّ أَنْظُرُ فِي حَبِيبٍ بِزُعْمِ الْحَبِّ فِي رَعْمِ الْأَعَادِي
معنی: به حق دوستی در دوست نظر کن، به گمان و تصور محبت و به رعم دشمنان.

۶- غَرْتُ جَنْكِنَ بِرُمٍ سُلْحِي وَ وَاكُهُ أَعْرَجَهُ دُشْمَانٌ نَشَانِ اِي نَشَادِي

yar-et Ĵang-en berom solhi va vâgo

ayar ĉe došmenân-šân i našâ di

معنی: اگر ترا [سر] جنگ است سلاحی بیاورم و بگو، اگر چه این [عمل جنگ کردن تو] شایسته دشمنان هم نیست که ببینند.

در کلمه «غرت» ضمیر غیرفاعلی صریحاً et- است. برُم مخفف بیارُم = بیاورم است. در مثلثات سعدی در زمان حال فعل‌های متعدی (و نیز لازم) به صورت -em به کار رفته است: نَکْشِمِ (= نَکْشَمِ)، نَخْرِمِ (= نَخُورِمِ)، نَبْخِشِمِ (= نَبْخِشَمِ) (بیت ۱۱). در همین غزل نیز در بیت ۷، شناسه فعل نوازم -em است. شاید این تفاوت تلفظ مربوط به دو گونه متفاوت از گویش شیرازی باشد. سُلْح به احتمال قوی مخفف سُلْح است که در عربی، همانند اسلحه، جمع سلاح است و در گویش شیرازی به صورت مفرد به کار رفته است، همانطوریکه در فارسی نیز اسلحه به عنوان مفرد به کار می‌رود. «وا» در واکه (= vâgo) همان پیشوند فعلی «باز» فارسی است که مانند «ب» برای تأکید و تقویت فعل به کار می‌رود. کلمه دشمن اینجا نیز همانند مثلثات سعدی به کسر «م» به کار رفته است. «ن» در اول کلمه نشان تکرار «ن» پایان کلمه دشمنان است. این املا، یعنی تکرار «ن» در نسخه‌های فارسی بی سابقه نیست. ظاهراً «ن» اول نشان‌دهنده غنه بودن مصوت قبل — در این مورد «ا» â در کلمه

دشمنان — است، اما این احتمال هم هست که «ن» دوم در اینجا اشتباه کاتب باشد. در هر حال منظور از نوشته شدن «ن» کوچک در بالای «ن» کلمه نشان معلوم نیست. ای مخفف ēd به معنی این در زبان پهلوی است که ظاهراً در اینجا از ē به ā تحول پیدا کرده است. «نشا» مخفف نشاید است و دی مخفف «دید» است. علت اینکه چرا شاعر در اینجا به جای دشمنان را، دشمنان‌شان گفته است ظاهراً این است که «را» در این گویش در نقش مفعول صریح و غیر صریح به کار نمی‌رفته و به جای آن از ضمائر غیر فاعلی استفاده می‌شده است. بنابراین ترجمه تحت‌اللفظ این بخش از مصراع چنین خواهد بود: دشمنان، آنها را، این شایسته نیست دیدن (= که ببینند).

۷- تو گُفتی قُطْبِ مَسْکِی وَا نَوَازِمِ بَسِیْتُ گُفْتِست وای زَزِ هَمِ بَوَادِی

to goftē qotb-e meski vânovâzem
bas-et goftest-o i zez ham bevâ di

معنی: تو گفتی قطب مسکین را می‌نوازم (دقیقا: بنوازم). بسی گفته‌ای و این را نیز باید دید.

فعل «تو گفتی» دارای ساخت فاعلی — مفعولی است و از فارسی قرض گرفته شده است. در گویش شیرازی این فعل به صورت *et goft* — گفته می‌شده است. فتحه بالای شناسه فعل گفتی نشان می‌دهد که این شناسه به صورت ē تلفظ می‌شده است. تخفیف مسکی به مسکین در مثلثات سعدی هم آمده. فتحه اول کلمه نوازم تحت تأثیر تلفظ v به ضمه بدل شده است. شناسه این فعل هم چنانکه می‌بینیم به صورت *em* — نوشته شده است. در بست *et* — نشان‌دهنده عامل فعل ماضی متعدی «گفتست» = گفته است» می‌باشد. زز، چنانکه در مثلثات سعدی دیدیم، به معنی «هم» است، اما در اینجا با کلمه «هم» با هم آمده و معنی توام بودن را تقویت کرده است. بوا مخفف «بواید» = بیاید» است.

پی‌نوشت‌ها

۱. میکروفیلم ۲۸ برگ از این جنگ به شماره ۳۱۹۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (رک. دانش‌پژوه، ۱۳۵۳، ص ۹۶).

۲. این کلمه به علت پارگی نسخه چندان خوانا نیست، اما خواننده‌ای در کنار آن کلمه مبادی را نوشته است. قرائت ادیب طوسی «جها؟ دی» است.
۳. شیوه آوانویسی در اینجا همان است که در مثلثات سعدی به کار رفته است.
۴. این کلمه در اصل به صورت بلادی نوشته شده، ولی کاتب در بالای «بلا» آن را به «نه» تصحیح کرده است.
۵. در نسخه بالای «ن» این کلمه یک «ن» کوچک، یعنی ن نوشته شده است.

منابع

- آموزگار، ژاله ۱۳۷۱. «فعل خواستاری و کاربرد آن در فارسی میانه (پهلوی)»، *مجله زبانشناسی*. سال ۹، ش ۱، ص ۹-۲.
- افشار، ایرج ۱۳۴۶. «جنگ (بیاض) استاد حافظ؟»، *یغما*. سال ۲۰، ش ۷، ص ۳۶۵-۳۷۴.
- افشار، ایرج و مرتضی تیموری (زیر نظر) ۱۳۵۳. *بیاض تاج‌الدین احمد وزیر*. اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- جاجرمی، محمدبن بدر ۱۳۵۰. *مونس‌الاحرار فی دقائق‌الاشعار*. به تصحیح میر صالح طیبی، ج ۲، تهران، انجمن آثار ملی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی ۱۳۵۳. *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*. جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رازی، امین‌احمد ۱۳۷۸. *هفت اقلیم*. به تصحیح محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران، سروش، ۳ جلد.
- صادقی، علی‌اشرف (زیر چاپ). «ابیات شیرازی مثلثات سعدی».

خویشکاری ویژه نخچیران در داستانهای پهلوانی ایران

دکتر سجّاد آیدنلو*

منظور از «خویشکاری ویژه نخچیران» طرح داستانی مکرری است که مطابق آن هو، گور یا گوزن فرستاده یا راهنمایی است که پهلوان / پادشاه / شاهزاده را به نبال خویش می‌کشاند و به مقصد معینی می‌برد که منجر به ازدواج^۱، روبه‌رو شدن خطر، گرفتاری یا تنبّه و آگاهی او می‌شود. گاهی نیز زن جادوگر، دیو و پری با مکر گردانی، به صورت نخچیران ظاهر می‌شوند و پهلوان / شاه یا شاهزاده را در پی خود به جایی می‌برند تا یا او را گرفتار کنند و یا اینکه بر وی اظهار عشق نمایند.

آشکارترین شواهد این بن مایه در شاهنامه سه نمونه است. نخست: راهنمایی ردن غُرم، رستم را به جانب چشمه در خان دوم این پهلوان^۲، دوم: پیکرینگی اکوان بیو در قالب گور و کشانیدن رستم در پی خود^۳ و دیگر: گوری که بهرام چوبین را به اخ زنِ ظاهراً جادوگر رهنمون می‌شود^۴ و به اعتقاد موبد دربار هر مزد:

که آن گور دیوی بود در نهان

در کنار این نمونه‌ها احتمالاً در دو جای دیگر شاهنامه نیز اشاره پوشیده‌تری به بن مضمون دیده می‌شود. یکی آنجا که کنیزکان رودابه براساس ضبط چند ست‌نویس مدّعی می‌شوند که برای رساندن زال به او:

پیویم و در چاره آهو شویم^۵

که شاید «در چاره آهو شدن» به تعبیری، درآمدن به پیکر آهو برای هدایت پهلوان به اقامتگاه رودابه باشد. بار دوم هنگامی که پس از سوار شدن کیخسرو بر شبرنگ بهزاد و به تاخت درآوردن او، گیو بیمناک می‌شود و با خود:

همی گفت کاهرم‌ن چاره‌جوی یکی بارگی گشت و بنمود روی

(خالقی ۱۳۸/۴۲۸/۲)

که دقیقاً به پیکرگردانی اهریمن به اسب برای فریب گرفتار کردن پهلوان / شاه اشاره دارد.

در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه، پری - دختر اسلم که دلدادۀ بهمن است، در نخچیرگاه به صورت آهوایی نمایان می‌شود و شاه را به اقامتگاه خود می‌آورد تا با او ازدواج کند.^۶ اسلم خود اذعان می‌کند که دخترش:

بیامد به پیش تو آهو نمود به چاره ترا ایدر آورد زود

(۴۶۴۹/۲۸۳)

گوری در مرغزار، آذربرزین را به دنبال خویش می‌برد و پس از مدتی ناپدید می‌شود اما پهلوان و همراهانش به محل زندگی بوراسپ می‌رسند و دختر دلاور او به همسری آذربرزین درمی‌آید (- بهمن‌نامه، ۵۰۸-۵۲۰/۸۶۹۰-۸۹۲۰) در این منظومه رستم تور نیز در تعقیب آهوایی که سرانجام غایب می‌شود، به بزمگاه دختر خاقان چین، روشنه، وارد می‌شود و به داروی بیهوشی گرفتار می‌آید (- ۵۷۱-۵۷۳/۹۸۶۱-۹۸۹۳). کوش در نخچیرگاه به دنبال شکار می‌تازد ولی گور یا آهو همچون موارد دیگر ناپدید می‌شود و او بعد از چهل روز سرگردانی به کاخ پیرمرد فرزانه می‌رسد.^۷ در ادامه داستان، کوش که از پیرمرد تعالیمی آموخته، معتقد است:

همانا نبود آنکه دیدم شکار سروش آمد از پرده کردگار

مرا اندر آورد با تیرگی کند دورم از دل همان خیرگی

(۹۸۴۰/۶۷۰ و ۹۸۴۱)

مرجانۀ جادو عاشق شهریار است و در قالب گوری وی را به دژ طلسم شده خویش راهنما می‌کند:

من آن گور کامد برت در شکار ز سر تا به دم پیکرش در نگار

مرا نام مرجانۀ ساحر است کز افسان من سامری ماهر است^۸

شهریار یک بار دیگر هم در پی شکار آهوایی به دخمه نیایش، گرشاسپ،

می‌رسد (- شهریارنامه، ص ۱۲۳) همای به دنبال گوزنی اسب می‌تازد اما «نهان شد بر که گوزنش ز چشم» و پهلوان به زنگی برمی‌خورد و با او می‌آویزد.^۹ بسیخاره، جفت جادوی غواص دیو، پس از کشته شدن دیو:

بیاراست خود را به سحر آن لعین به شکل یک گور فربه سرین^{۱۰}

و رستم را در پی خود می‌کشد و سرانجام هم کشته می‌شود (- جهانگیرنامه، ص ۳۲ و ۲۹۱-۲۷۵/۳۳) سام که توانسته گور زرین دم و سیمین سم را بگیرد به مرغزاری می‌رسد که

پری را بُد آن گلشن، آرام جای

و درمی‌یابد آن گور شگفت، پری دل‌شده‌ای بوده که پهلوان را به دنبال خود آورده است:

من آن گور فربه سرینم که سام همی خواست کش سر درآرد به دام^{۱۱}

خویشکاری ویژه نخچیران در سایر داستانهای ایرانی نیز به کرات دیده می‌شود که در اینجا کوتاه و فهرست وار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: غرم، همای و رشواد را راهنمایی می‌کند و از کوه بیرون می‌آورد.^{۱۲} پری در پیکر گور، فیروزشاه را به سرزمین پریان می‌آورد.^{۱۳} گور، امیر حمزه و پسرش را در بالا می‌افکند.^{۱۴} گور، همای را به منزل پریان می‌برد.^{۱۵} دیو در شکل گور غازان را به غار اژدها می‌کشد تا او را طعمه اژدها کند.^{۱۶} آهو، نسیم عیار را به غار افراسیاب رهنمود می‌شود^{۱۷} و فرشته‌ای با پیکرگردانی به آهو، اسکندر را به سمت اسراری که باید ببیند، راهنمایی می‌کند (- همان جا، صص ۲۵۵ و ۲۵۶) گور، برزو را به خیمه معشوق پسرش و فرامرز را به جایگاه غرقاب دیو می‌برد^{۱۸} و دختر مرجان جادو با تبدیل به گور، تمور / تیمور را به حصار طلسم شده خود می‌کشد (- همان جا، صص ۴۵۵ و ۴۵۶).^{۱۹}

از روایات غیر ایرانی نیز برای نمونه در *رامایانای هندی* یکی از موجودات اهریمنی (رکشاساها) به هیأت گوزنی زیبا در می‌آید و رامایا را به دنبال خویش می‌کشد.^{۲۰}

در این بن مایه پرتکرار، نقش نخچیران دو جانبه (اهورایی و اهریمنی) است. هرگاه که آهو، گور و گوزن شخص را به اقامتگاه پری یا دختری زیبارو یا

پتیارگانی چون دیو، اژدها و زنگی - برای کشتن آنها - می‌برند چون نتیجه کار ازدواج یا دفع شر آن جانوران است، خویشکاری نخچیران نیز اهورایی است؛ اما در مواردی که دیو و جادو در پیکر این جانوران نمایان می‌شوند و با نخچیر، فرستاده آنها برای کشاندن پهلوان، شاه یا شاهزاده به غار و دژ پتیارگان به قصد گرفتاری یا کشته شدن اوست، نقش آهو، گور و گوزن نیز اهریمنی و به سود مظاهر شر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اشاراتی درباره نقش نخچیران در عشق برانگیزی و ایجاد روابط عاشقانه، رک: مزداپور، کنایون؛ «افسانه پری در هزار و یک شب»، شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ، به کوشش مهرانگیز لاهیجی و شهلا کار، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم، ۱۳۸۱، صص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ همو؛ «روایت‌های داستانی از اسطوره‌های کهن»، فرهنگ، سال یازدهم، شماره اول و دوم (پیاپی ۲۵ و ۲۶)، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۹؛ همو؛ گناه ویس، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۸۰.
۲. رک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران با همکاری بیبلیوتکا پرسیکا، ۱۳۶۹، دفتر دوم / ۳۱۲-۳۱۷. جالب است که در طومار هفت لشکر به جای میش، آهو رستم را راهنمایی می‌کند که یکی از جانوران ویژه این بن مایه است. رک: هفت لشکر (طومار جامع تالان)، تصحیح مهران افشاری - مهدی مداینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۶.
۳. رک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران، ۱۳۷۱، دفتر سوم / ۲۹۱-۳۹-۵۱.
۴. رک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق با همکاری ابوالفضل خطیبی، کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران، ۱۳۸۶، دفتر هفتم / ۵۸۴-۱۴۱۷-۱۴۲۳.
۵. فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، تهران، روزبهان، ۱۳۶۸، دفتر یکم / ۱۹۰ / زیرنویس ۴.
۶. رک: ایرانشاه بن ابی‌الخیر؛ بهمن‌نامه، ویراسته دکتر رحیم عقیقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ۲۸۱ و ۲۸۲ / ۴۶۰۹-۴۶۴۴.
۷. رک: ایرانشاه بن ابی‌الخیر؛ کوش‌نامه، به کوشش دکتر جلیل متینی، تهران، علمی، ۱۳۷۷، ۶۶۳ و ۶۶۴ / ۹۷۰۲-۹۷۲۲.
۸. رک: شهریارنامه، تصحیح دکتر غلامحسین بیگدلی، تهران، پیک فرهنگ، ۱۳۷۷، ص ۱۰.
۹. رک: همای‌نامه، تصحیح محمد روشن، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ۱۳ و

۳۱۴-۳۰۷/۱۴

۱۰. رک: مادح، قاسم؛ جهانگیرنامه، به کوشش دکتر ضیالالدین سجّادی، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۰، ۲۷۵/۳۲.
۱۱. رک: سام‌نامه، به کوشش دکتر میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۶، ص ۵۶.
۱۲. رک: طرسوسی، ابوطاهر؛ *داراب‌نامه*، به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۳۲۸.
۱۳. رک: بی‌غمی، مولانا محمد؛ *داراب‌نامه*، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱، ج ۲، صص ۴۹۴-۴۹۶، ۷۲۳ و ۷۲۴.
۱۴. رک: *حمزه‌نامه (قصه امیرالمومنین حمزه)*، تصحیح دکتر جعفر شعار، تهران، کتاب فرزانه، چاپ دوم، ۱۳۶۲، صص ۳۶۶ و ۳۹۸.
۱۵. رک: خواجوی کرمانی، ابوالعطا کمال‌الدین محمود؛ *همای و همایون*، تصحیح کمال عینی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۰، صص ۳۱ و ۳۲.
۱۶. رک: نوری اژدری؛ *غازان‌نامه*، به کوشش دکتر محمود مدبری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.
۱۷. رک: حکیم، منوچهرخان؛ *اسکندرنامه (بخش ختا)*، به کوشش علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳.
۱۸. رک: *هفت لشکر*، همان، صص ۳۴۹، ۴۰۹ و ۴۱۰.
۱۹. *در ابومسلم‌نامه* هم این مضمون شواهد متعددی دارد. برای دیدن بعضی نمونه‌ها، رک: طرسوسی، ابوطاهر؛ *ابومسلم‌نامه*، به اهتمام حسین اسماعیلی، تهران، معین، قطره و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۱۱۷ و ۱۱۸ مقدمه.
۲۰. رک: رونبرگ، دونا؛ *اساطیر جهان (داستانها و حماسه‌ها)*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹، صص ۶۶۷-۶۶۹.